

# زن = مرد !!!

gomnam313.ir

روحیات، ساختار، جنسیت و تکالیف ووظایف خانم ها از روز ازل و آفرینش با مردان متفاوت بوده و هست، حالا اینکه چرا دولتمردان یا برخی از خود مردم شبانه روزی تلاش دارند که این حقوق را برابر کنند برایم سوال بسیار بزرگی است !!!

اصلا منظورم برتری یکی بر دیگری نیست، میخواهم بگویم زن، زن است و مرد، مرد ...

چرا به زور میخواهیم خلقت را بهم بزنیم ...

« منبع در انتها به صورت لینک مشخص شده »

## چکیده :

عدالت مهم ترین آرمان و آرزوی بشر از آغاز خلقت تا کنون بوده است. عدالت عرصه های گوناگونی دارد اما در این میان، عدالت در حقوق متقابل زن و مرد به عنوان دو رکن عالم هستی جایگاهی بس ویژه دارد. زن مظهر جمال و مرد مظهر جلال خداوند می باشد و هر کدام در نظام آفرینش مقامی خاص و ویژه دارند و هدف هر دو رسیدن به کمال است بدون این که بر یکدیگر برتری داشته باشند. زن و مرد در انسانیت و بهره مندی از فضائل معنوی مساوی هستند و هیچ تفاوتی باهم ندارند اما در دو بعد جسم و روح - در عین داشتن برخی اشتراک ها - باهم متفاوتند؛ البته خلقت هر دو به احسن وجه است و جای هیچ گونه تردیدی نیست که خداوند عادل حتی در آفرینش این دو موجود به عدالت رفتار نموده و هیچ کدام را بر دیگری برتری نداده است. زن و مرد مکمل یکدیگرند و هر کدام وظایف و حقوقی خاص دارند. این تفاوت در حقوق به دلیل تفاوت در خلقت، وظایف و نقش های آن هاست بدون این که تبعیضی در کار باشد. عدالت در حقوق زن و مرد را باید با در نظر گرفتن مجموعه ی حقوق هر کدام بررسی نمود تا روشن شود که دین مبین اسلام در وضع حقوق و تکالیف یکی را بر دیگری برتری نداده است.

.....

## مقدمه

عدالت در حقوق زن و مرد از جنبه های مختلف قابل بحث و بررسی است. فرض بر این است که منشاء تفاوت در حقوق زن و مرد تفاوت های طبیعی آن هاست و این تفاوت ها نه تنها تبعیض آمیز نیست بلکه بر مبنای عدالت پی ریزی شده است. برای اثبات این فرضیه در قالب چهار بخش به تبیین این موضوع می پردازیم:

.....

## ۱. تفاوت های زن و مرد

زن و مرد به عنوان دو موجود از مخلوقات خداوند، هر دو در داشتن انسانیت مشترک هستند اما در عین حال تفاوت هایی نیز دارند. به طور کلی این تفاوت ها را می توان به دو بخش عمده تقسیم نمود: تفاوت های زن و مرد از لحاظ جسمی و از لحاظ روحی.

## الف. تفاوت های زن و مرد از لحاظ جسمی

دختر و پسر از همان آغاز تولد و حتی قبل از آن، از نظر جسمی باهم تفاوت دارند. جنین پسر در رحم مادر رشد سریع تری نسبت به جنین دختر دارد. (۱۱) در آغاز تولد پسرها از نظر وزن و قد از دختران پیش افتاده ترند. (۱۲)

پسر بچه ها از همان ابتدای زندگی ماهیچه های قوی تری نسبت به دختران دارند و پس از آن نیز مردها از لحاظ قوای بدنی قوی تر از زن ها هستند. (۳) شش ها و قلب پسران بزرگ تر از دختران می باشد. (۴) دوره استراحت قلب در هر ضربان در پسرها کوتاه تر از دختران است. (۵)

در دوران نوجوانی دختران اندکی در رشد قد و وزن پیش می افتند و پس از آن دوباره نوبت رشد بیشتر پسران است. (۶) در سنین ۱۰-۱۳ سالگی فشار خون در دختران بیشتر از پسران است ولی پس از آن فشار خون در پسران بیشتر از دختران می شود. (۷)

حس شنوایی زنان در همه دوران زندگی آنها بهتر از مردان است در عوض مردان از بینایی بهتری برخوردار هستند. (۸)

در دوران جنینی پسران بیشتر سقط می شوند و آمار مرگ و میر آنان بیشتر از دختران است. (۹) به طور کلی مردان در تمام طول زندگی خود برای مبتلا شدن به سکتۀ مغزی، عفونت های ویروسی، زخم معده و اثنی عشر، لخته شدن خون در عروق و بعضی از انواع بیماری های روانی آمادگی بیشتری دارند. (۱۰) در حقیقت زنان قدرت مقاومت بدنی و روحی بیشتری در مقابل بیماری ها نسبت به مردان دارند. (۱۱)

## ب. تفاوت های زن و مرد از لحاظ روحی

پس از شش هفته اول بارداری جنس جنین مشخص می شود و مغز نیز در اوایل رشد در جهت نر یا ماده شدن متمایز می شود. (۱۲) از طرفی رفتار هر جنس تحت تأثیر سیستم غددی و عصبی قرار دارد. (۱۳) از آن جا که بین روح و جسم رابطه و تأثیر متقابل وجود دارد، نتیجۀ تفاوت های جسمی بین زن و مرد تفاوت در روح و روان آن دو نیز می شود.

از نظر روانی دختران نسبت به پسران رشد هیجانی سریع تری دارند. تقریباً رشد عاطفی دختران ۱۲ ساله به میزان پسران ۱۴ ساله می باشد و به طور کلی زنان بیشتر از مردان رفتارهای عاطفی دارند و بیشتر تحت تأثیر عواطف می باشند. (۱۴) حتی نوع عواطف زن و مرد نیز باهم متفاوت است.

«احساسات مرد نیاز آمیز و احساسات زن ناز خیز است. احساسات مرد طالبانه و احساسات زن مطلوبانه است.» (۱۵)

پسران غالب اوقات پرخاشگرترند. (۱۶) آمار بزهکاران و جنایتکاران در سراسر جهان نشان می دهد که همیشه تعداد مردها از تعداد زن ها بیشتر بوده است. زنان بیشتر پرخاشگری کلامی دارند و حال آن که مردان به برخورد فیزیکی متوسل می شوند. (۱۷)

دختران در برابر هم بازی های پسر یا دختر خود تسلیم پذیرترند در حالی که پسران تسلیم پذیری کم تری از خود نشان می دهند. (۱۸) نوع دوستی، توجه به دیگران، صمیمیت و حمایت از دیگران از خصوصیات زن ها است. (۱۹)

علاقه به زیبایی، توجه به مسائل دینی و اجتماعی در زنان بیشتر از مردان است در حالی که مردها معمولاً به جنبه های سیاسی و تئوری علاقه دارند. (۲۰) زنان بیشتر از مردان نفوذ پذیرند و خیلی آسان تر از مردان تحت تأثیر قرار گرفته و تغییر عقیده می دهند. (۲۱)

زنان در دوستی علاقه مندتر می شوند و عاطفی تر برخورد می کنند در حالی که دوستی مردان قوی تر و عمیق تر است. (۲۲) زنان بیشتر از مردان از کلمات و عباراتی که زمینه و محتوای احساسی و عاطفی دارند استفاده می کنند. (۲۳)

دختران نوجوان در مقایسه با پسران نوجوان عزت نفس ضعیف تر و انتظاراتی پایین تری دارند و از نظر اعتماد به نفس و اعتماد به توانایی های خود نیز در سطح پایین تری قرار دارند. (۲۴)

در هوش و سایر استعدادها نیز تفاوت بنیادین دارند، رشد هوشی دختران معمولاً از طریق زبان آموزی شروع می شود در صورتی که رشد هوشی پسران از طریق مهارت های عملی صورت می گیرد. (۲۵) دختر بچه ها بیشتر در آزمون های کلامی موفق می شوند، حال آن که موفقیت پسران بیشتر در زمینه های عملی است. (۲۶)

در استعداد های ریاضی پسرها بهتر از دختران هستند، اما در کارهای دستی مخصوصاً کارهایی که نیاز به چالاکی انگشتان دارد دختران بهترند. دختران دانشجو یا دانش آموز نمراتی اخذ می کنند که پراکندگی کمتری دارد؛ در عوض نمرات پسران از پراکندگی زیادی برخوردار است؛ به عبارت دیگر، دختران معمولاً در حد وسط قرار دارند اما صاحبان بدترین و بهترین نمرات معمولاً پسرها هستند. (۲۷)

.....

## ۲. آثار تفاوت و تأثیر آن بر حقوق

تفاوت زن و مرد در دو بعد جسم و روح غیر قابل انکار و اغماض است. اما این تفاوت ها هرگز به معنی کم ارزش بودن یکی و برتری دیگری نمی باشد.

خداوند حکیم کاری را بدون هدف و غرض انجام نمی دهد و آفرینش هر موجودی برای هدف خاصی است. (۲۸) برای این که هر کدام از دو جنس زن و مرد به هدف خود که رسیدن به کمال است دست یابند، برای هر کدام از این دو جنس وظایف و حقوقی خاص مشخص شده است.

از ایه ۳۲ سوره زخرف (۲۹) در رابطه با علت تفاوت موجودات چنین استفاده می شود که: اولاً باید زندگی به احسن وجه اداره شود و ثانیاً تا تسخیر متقابل بین موجودات محقق نشود و هماهنگی بین آحاد و طبقات متفاوت ایجاد نگردد نظام به احسن وجه اداره نمی شود. (۳۰)

راز تفاوت بین زن و مرد نیز از این قاعده مستثنی نیست. از آن جا که استحکام و دوام خانواده از مهم ترین اهداف عالی اسلام است، تفاوت بین زن و مرد باعث رونق یافتن زندگی مشترک و جاذبه طرفینی بین آن دو است.

«اگر زن دارای جسم و جان و خلق و خوی مردانه بود محال بود بتواند مرد را به خدمت خود وادارد و مرد را شیفته وصال خود نماید و اگر مرد همان صفات جسمی و روانی زن را می داشت ممکن نبود زن او را قهرمان زندگی خود حساب کند و عالی ترین هنر خود را تسخیر قلب او به حساب آورد.» (۳۱)

این همان مودت و رحمت است که قرآن کریم از آن یاد نموده است:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (۳۲) و از نشانه های او این که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و محبت قرار داد.»

خانواده کانون محبت و دوستی است و این امر جز با عمل کردن هر یک از دو جنس زن و مرد به وظایف خود، که بر خاسته از طبیعت آن ها است محقق نمی شود.

اسلام حقوق همه انسان ها را، از هر نژاد و رنگ و جنسی باشند، در نیازهای مشترک یکسان قرار داده است؛ اما از آن جا که حقوق در اسلام بر اساس مصالح و مفاسد و چگونگی طبیعت و خلقت انسانی است، تنوع در حقوق نیز مشاهده می گردد. حقوق زن و مرد نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ زن و مرد از آن جهت که با هم شباهت دارند حقوق مشابه و یکسانی دارند، اما از آن جهت که در جسم و روحیات باهم تفاوت طبیعی دارند (که به مقتضای آن طبیعت نیز وظایف متفاوتی بر عهده ی آن ها گذاشته است)، حقوق مختلف متناسبی نیز برای آن ها قرار داده شده است.

بنابراین، علت تمام تفاوت های حقوقی این دو جنس را باید در همین تفاوت های طبیعی و فطری و تفاوت وظایف، جستجو کرد. (۳۳)

باید به این نکته نیز توجه کرد که تفاوت و تنوع در حقوق همیشه ملازم با بی عدالتی نیست و ممکن است حقوق های مختلف و متنوع و در عین حال متعادلی وجود داشته باشد؛ یعنی در عین این که حقوق افراد ظاهرش باهم متفاوت است اما با توجه به مجموعه حقوق و وظایف و کسر و انکسار آنها برابری حاصل شود. (۳۴)

پس می توان نتیجه گرفت که طبیعت مهم ترین عامل اختلاف حقوق است. (۳۵)

.....

### ۳. تساوی حقوق زن و مرد

تساوی حقوق زن و مرد یکی از موضوعاتی است که از گذشته تا کنون بحث های زیادی درباره ی آن صورت گرفته است و نظرات مختلفی در رابطه با آن ارائه گردیده است.

اسلام دین مساوات و برابری است. این دین مبین زمانی ظهور کرد که در شبه جزیره عربستان و دیگر نقاط جهان، نه تنها بین زن و مرد بلکه بین انسان ها اثری از مساوات نبود.

حتی در آن زمان اگر فردی صاحب فرزند دختر می شد یا او را زنده به گور می کرد و یا باید تا آخر عمر ننگ دختر داشتن را تحمل می نمود. (۳۶) در چنین شرایطی خداوند از زن و مرد در کنار هم یاد کرده است و مبدأ خلقت هر دوی آن ها را «نفس واحد» معرفی می کند: «یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحد و خلق منها زوجها و بثّ منهما رجالاً کثیراً و نساء» (۳۷) ای مردم از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید؛ همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد و از آن دو مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت.»

علاوه بر خلقت مساوی، زن و مرد در ارزش ها و کسب کمالات والای انسانی، برابر هستند. (۳۸) در تمامی آیات قرآن هر کجا که سخن از ارزش و کمال است به زن و مرد به صورت یکسان خطاب شده است (۳۹) و با لفظ «یا ایها الناس» و «یا ایها الذین آمنوا» زن و مرد هر دو، مورد خطاب قرار گرفته اند. و ملاک برتری در پیشگاه خداوند فقط تقوا معرفی شده است. (۴۰) در آیه ۳۵ و ۳۶ سوره احزاب خداوند می فرماید:

«إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّانِمِينَ وَالصَّانِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا \* وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا.»

در این آیه مسلمان بودن، ایمان داشتن، عبادت کردن و مطیع فرمان خدا بودن، صدق و راستی، صبر و شکیبایی، خشوع و تواضع، انفاق و صدقه دادن، روزه گرفتن، عفت و پاکدامنی، ذکر و یاد خدا همه به عنوان ارزش مطرح شده است و در مقابل نافرمانی خدا و پیامبر(ص)، عصیان معرفی شده است. تأکید خداوند در این آیه برای آوردن لفظ مؤنث در کنار مذکر، خود بیانگر یکسان بودن زن و مرد در پیشگاه خداوند است؛ از طرفی با این تأکید، تمام تفکراتی که فضایل و شرافت انسانی را مختص مردها می دانست و زن را از رسیدن به این فضائل ناتوان می شمرد مردود اعلام کرد. (۴۱)

اما با این وجود آن جا که بحث حقوق و تکالیف مطرح می شود. برای هر یک حقوقی خاص با توجه به ویژگی ها و وظایف آنها در نظر گرفته است. تفاوت در حقوق زن و مرد گاهی به سود زن یا مرد و گاهی بر علیه او و به نفع دیگری است؛ اما اگر مجموع حقوق و تکالیف هر یک دیده شود می توان رعایت عدالت را در تمام موارد دید؛ مثلاً اگر در سهم الارث، سهم زن نصف سهم مرد (۴۲) قرار داده شده در مقابل نفقه و مهریه را بر عهده مرد گذارده است (۴۳) و در بقیه موارد، زن و مرد را مالک اموالی می داند که با رنج و کوشش خود بدست آورده اند. (۴۴) هم

چنین اگر ریاست و ولایت خانواده را از شئون مرد می‌داند(۴۵) در مقابل توصیه‌ها و تأکیدات فراوانی بر حسن معاشرت مرد با همسر خود می‌کند. (۴۶)

لازم به ذکر است که تساوی حقوق به آن معنی که در غرب مطرح شده است؛ یعنی تشابه کامل در تمامی موارد حقوقی بین زن و مرد، در نظام دینی اسلام معنایی ندارد؛ بلکه تساوی به معنی برابری، مهم و قابل تأیید است.(۴۷) البته زن و مرد از آن جهاتی که باهم شبیه هستند از حقوقی مشابه نیز برخوردارند اما از آن جهاتی که باهم تفاوت دارند بالطبع از حقوقی متفاوت برخوردار می‌شوند و این هرگز به معنی کم ارزش بودن یک جنس و برتری جنس دیگر نیست.

.....

#### ۴. عدالت یا تبعیض

تبعیض به معنی برتری بدون جهت، همیشه مورد تنفر بوده و می‌باشد در مقابل، عدالت مقدس و مطلوب است. گاهی تفاوت به معنی تبعیض گرفته می‌شود و به همین جهت تفاوت نیز مانند تبعیض مذموم می‌گردد اما باید دانست که همیشه عدالت در تشابه نیست بلکه گاهی عدالت در تفاوت محقق می‌شود.

در جهان کنونی، زنان بیش از مردان قربانی رفتارهای تبعیض آمیز شده‌اند و حقوق آنان بیشتر ضایع می‌گردد. اولین هسته سازمان دهی شده در رابطه با حمایت از زنان جهان در سانفرانسیسکو و در اولین مجمع عمومی سازمان ملل متحد با عنوان «کمیسون مقام زن» شروع به فعالیت کرد. (۴۸) در سال ۱۹۶۳م مجمع عمومی سازمان ملل متحد از کمیسیون مقام زن درخواست کرد تا پیش نویس اعلامیه رفع تبعیض از زنان را تهیه کند.

کنوانسیون رفع تبعیض از زنان در سال ۱۹۷۹م توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب و برای امضا و تصویب و الحاق کشورها مفتوح گردید. این کنوانسیون بر اساس بند ۱ از ماده ۱۲۷ از سال ۱۹۸۱م (۱۳۶۰ش) لازم الاجرا شد. (۴۹)

«واژه تبعیض علیه زنان در عهدنامه، به معنی قائل شدن هرگونه وجه تمایز، استثناء یا محدودیتی بر اساس جنسیت است که بر به رسمیت شناختن آزادی‌های اساسی انسان، حق بهره‌وری و رعایت حقوق بشر در مورد آنها در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مدنی یا سایر موارد، بدون توجه به وضعیت تأهل آنها و مساوات حقوق زن و مرد، خلل و آسیب وارد آورد.»(۵۰)

همان طوری که ملاحظه شد در این کنوانسیون واژه تبعیض معنای وسیعی دارد و هدف از آن برقراری تساوی و تشابه بین زن و مرد در تمام جهات، بدون در نظر گرفتن جنسیت می‌باشد.

اگر چه تهیه کنندگان این کنوانسیون به زعم خود در جهت احقاق حقوق زن تلاش کرده‌اند اما از یک نکته اساسی غفلت نموده‌اند و آن فلسفه آفرینش زن و مرد است؛ زیرا خداوندی که خالق انسان است از آفرینش زن و مرد با این تفاوت‌ها اهداف خاصی داشته است که آیات و روایات به بیان آن پرداخته‌اند. اگر چه خداوند در کرامت و شرافت، زن و مرد را برابر دانسته است(۵۱) اما با این وجود حقوق متفاوت برای هر یک از آنها قرار داده است، و این کنوانسیون بدون توجه به فلسفه آفرینش انسان تنظیم شده است؛ در نتیجه نمی‌تواند بیان‌کننده واقعی حقوق زن باشد.

در رابطه با پیوستن به این کنوانسیون دو دیدگاه فقهی وجود دارد: دیدگاه اول که دیدگاه غالب(۵۲) فقها می‌باشد مبتنی بر عدم الحاق به این کنوانسیون است، زیرا آن را مخالف صریح قوانین اسلام می‌داند و دیدگاه دوم که طرفداران کم‌تری(۵۳) دارد قائل به الحاق مشروط می‌باشد.(۵۴) دولت جمهوری اسلامی ایران به دلیل مغایرت این کنوانسیون با قوانین اسلام تا کنون به آن نپیوسته است.(۵۵)

در این قسمت برخی مغایرت هایی که بین مفاد این کنوانسیون و قوانین روح بخش اسلام وجود دارد و مانع پیوستن جمهوری اسلامی ایران به آن می باشد، بیان می گردد.

در دین مبین اسلام، در رابطه با مواردی چون دیه، قصاص، شهادت، ارث، تعدد همسران، طلاق، حق حضانت، عیوب موجب فسخ نکاح، نشوز، لزوم سپری شدن عده برای زن، پوشش واجب بدن، لزوم تمکین جنسی، ولایت بر فرزندان، سرپرستی خانواده، مرجعیت و قضاوت، برای هر یک از زن و مرد قوانین متفاوتی وضع شده است؛ در نتیجه مفاد کنوانسیون رفع تبعیض که مساوات و تشابه کامل احکام و حقوق زن و مرد را خواستار است با احکام و قوانین اسلامی سازگاری ندارد. (۵۶)

در اوایل سال ۱۳۷۵ ش شورای عالی انقلاب فرهنگی با تشکیل کمیته ای به بررسی کنوانسیون پرداخت. هم چنین متن کنوانسیون در اختیار چند تن از فضایی حوزه علمی قم و نیز واحد مطالعات و تحقیقات زنان مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما و مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه قرار گرفت تا مورد ارزیابی قرار گیرد. هم چنین از مقام معظم رهبری و برخی مراجع و علما استفتاء و نظرخواهی به عمل آمد که نظرات ایشان در ابتدای این مطلب ذکر گردید. سرانجام شورای عالی انقلاب فرهنگی در ۱۳۷۶/۱۱/۱۴ طی مصوبه چهارصد و سیزدهم، مخالفت خود را با الحاق جمهوری اسلامی ایران به این کنوانسیون اعلام نمود. (۵۷)

عدم پذیرش کنوانسیون از طرف جمهوری اسلامی ایران باعث افزایش فشارهای سیاسی خواهد شد به همین دلیل برخی اعتقاد دارند می توان با حق شرط کلی عدم مغایرت با اسلام و قوانین داخلی، به کنوانسیون پیوست و از فشارهای سیاسی کاست؛ اما باید دانست اولاً چنین شرطی با روح کلی کنوانسیون مغایر است و بر اساس کنوانسیون چنین شرطی قابل قبول نیست و پس از مدتی تحت فشار مجامع بین المللی نسبت به پس گرفت حق شرط قرار خواهیم گرفت؛ چنان که از بین ۴۳ کشوری که به طور مشروط به این معاهده ملحق شده اند، ۱۴ کشور پس از مدتی حق شرط های خود را پس گرفته اند. (۵۸) ثانیاً فشارهای سیاسی از ناحیه قدرت های بزرگ به جمهوری اسلامی ایران ناشی از ماهیت انقلابی، ظلم ستیزی و دین محوری انقلاب اسلامی است. به همین دلیل در برخی از کشورها که ارتباط خوبی با غرب دارند به رغم مراعات نشدن حقوق اولیه زنان هیچ گاه به نقض حقوق بشر محکوم نمی شوند و در این زمینه هیچ گونه فشار سیاسی بر آنان وارد نمی شود. بنابراین با پذیرش کنوانسیون نه تنها از فشارهای سیاسی کاسته نخواهد شد بلکه به دلیل شفافیت تعهدات مندرج در کنوانسیون و پی گیری اجرای این تعهدات در جمهوری اسلامی ایران فشارهای سیاسی مضاعف خواهد شد؛ زیرا عملی شدن مفاد کنوانسیون به دلیل مغایرت با قوانین داخلی ایران ممکن نیست. (۵۹)

.....

### نتیجه گیری نهایی

در مباحث قبل به این نکته اشاره شد که تفاوت در جسم و روح زن و مرد به معنی برتری یکی و کم ارزش بودن دیگری نیست. در واقع همین تفاوت هاست که باعث دوام و قوام خانواده می شود. اگر تفاوت در جسم و روح زن و مرد را بپذیریم که یقیناً قابل انکار نیست به تبع آن باید تفاوت در حقوق نیز پذیرفته شود. و این تفاوت در حقوق هرگز تبعیض نیست و به هیچ یک از زن و مرد بی عدالتی نشده است. «زیرا عدالت به معنای این است که به هر کس حق خودش داده شود و خدا که هیچ کس را بر او حقی نیست، به هر انسانی به تناسب وظیفه ای که به حکم آفرینش بر دوشش نهاده، ویژگی ها و خصوصیتی را بخشیده است. عدالت به معنی مساوات بین مردم نیست؛ به گونه ای که همه هم شکل باشند. چنین چیزی چه بسا ضد عدالت است. زیرا آسیب جدی به زندگی و تکامل انسان ها وارد می کند». (۶۰) عدل خداوند نیز اقتضا می کند که حقوق هر یک از زن و مرد را با توجه به روحیات، تکالیف، استعدادها و قابلیت های آنها وضع نماید؛ چرا که جهان و تمام امور آن بر دو محور حق و عدالت می گردد. (۶۱)

.....

## سوتیتورها

عدالت مهم ترین آرمان و آرزوی بشر از آغاز خلقت تا کنون بوده است. عدالت عرصه های گوناگونی دارد اما در این میان، عدالت در حقوق متقابل زن و مرد به عنوان دو رکن عالم هستی جایگاهی بس ویژه دارد.

باید به این نکته نیز توجه کرد که تفاوت و تنوع در حقوق همیشه ملازم با بی عدالتی نیست و ممکن است حقوق های مختلف و متنوع و در عین حال متعادلی وجود داشته باشد؛ یعنی در عین این که حقوق افراد ظاهرش باهم متفاوت است اما با توجه به مجموعه حقوق و وظایف و کسر و انکسار آنها برابری حاصل شود

اگر چه خداوند در کرامت و شرافت، زن و مرد را برابر دانسته است اما با این وجود حقوق متفاوت برای هر یک از آنها قرار داده است، و این کنوانسیون بدون توجه به فلسفه آفرینش انسان تنظیم شده است؛ در نتیجه نمی تواند بیان کننده واقعی حقوق زن باشد.

اگر تفاوت در جسم و روح زن و مرد را بپذیریم که یقیناً قابل انکار نیست به تبع آن باید تفاوت در حقوق نیز پذیرفته شود. و این تفاوت در حقوق هرگز تبعیض نیست و به هیچ یک از زن و مرد بی عدالتی نشده است

.....

### \* دانش پژوه مرکز آموزش خواهران دفتر تبلیغات اسلامی.

- [۱]. حمزه گنجی، روان شناسی تفاوت های فردی، چاپ هفتم، (تهران، مؤسسه انتشارات بعثت، ۱۳۷۵)، ص ۱۹۳.
- [۲]. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، روان شناسی رشد، ج ۱، چاپ اول، (تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، ۱۳۷۴)، ص ۳۷۱؛ سوسن سیف و دیگران، روان شناسی رشد، ج ۱، چاپ نهم، (تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، ۱۳۷۸)، ص ۲۲۵.
- [۳]. حمزه گنجی، پیشین، ص ۱۹۳؛ علی اکبر شعاری نژاد، روان شناسی رشد، چاپ دوازدهم، (تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴)، ص ۲۰۱؛ شکوه نوابی نژاد، پیشین، ص ۸۷.
- [۴]. ای میوس هترینگتون، روان شناسی کودک از دیدگاه معاصر، ج ۲، ترجمه جواد طهوریان و دیگران، چاپ اول، (مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳)، ص ۳۱۷؛ علی اکبر شعاری نژاد پیشین، ص ۲۸۱.
- [۵]. حمزه گنجی، پیشین، ص ۱۹۳.
- [۶]. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، روان شناسی رشد، پیشین، ص ۳۷۱.
- [۷]. همان، ص ۳۸۹.
- [۸]. حمزه گنجی، پیشین، ص ۱۹۴.
- [۹]. حمزه گنجی، پیشین، ص ۱۸۸.
- [۱۰]. مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ بیست و ششم، (تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۸)، ص ۱۶۴.

- [۱۱]. حسین لطف آبادی، روان شناسی رشد، ج ۲، چاپ اول، (تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، ۱۳۷۸)، ص ۲۴۹.
- [۱۲]. همان، ص ۱۹۲.
- [۱۳]. سید مجتبی رکاوندی، مقدمه ای بر روان شناسی زن، چاپ اول، (قم، انتشارات شفق، ۱۳۷۰)، ص ۵۳.
- [۱۴]. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، پیشین، ص ۴۴۲.
- [۱۵]. مرتضی مطهری، پیشین، ص ۱۷۰.
- [۱۶]. شکوه نوابی نژاد، روان شناسی زن، چاپ دوم، (بی جا، انتشارات جامعه ایرانیان، ۱۳۷۸)، ص ۱۰۳؛ ای میوس هترینگتون، پیشین، ص ۳۱۸؛ سوسن سیف و دیگران، پیشین، ص ۳۴۳.
- [۱۷]. حمزه گنجی، پیشین، ص ۳۰۲.
- [۱۸]. ای میوس هترینگتون، پیشین، ص ۳۱۸.
- [۱۹]. حمزه گنجی، پیشین، ص ۳۰۴.
- [۲۰]. همان.
- [۲۱]. شکوه نوابی نژاد، پیشین، ص ۱۰۶.
- [۲۲]. همان، ص ۱۰۰.
- [۲۳]. همان، ص ۹۲.
- [۲۴]. جمیز دبلیووند رزندن، روان شناسی رشد، ترجمه حمزه گنجی، چاپ اول، (تهران، مؤسسه انتشارات بعثت، ۱۳۷۶)، ص ۲۴۷.
- [۲۵]. حمزه گنجی، پیشین، ص ۲۰۱.
- [۲۶]. همان، ص ۲۰۸؛ حسین لطف آبادی، پیشین، ص ۲۰۱.
- [۲۷]. حمزه گنجی، پیشین، ص ۲۰۱.
- [۲۸]. أ فَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا.... سورة مؤمنون (۲۳)، آیه ۱۱۵.
- [۲۹]. أ هُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًا وَ رَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ.
- ترجمه: ایا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می کنند به ما معیشت آن ها را در حیات دنیا در میانشان تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم. تا یکدیگر را مسخر کرده (و باهم تعاون نمایند) و رحمت پروردگارت از تمام آن چه جمع آوری می کنند بهتر است.
- [۳۰]. عبدالله جوادی آملی، زن در آئینه جلال و جمال، چاپ دوم، (قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۶)، ص ۳۹۱.

[۳۱]. مرتضی مطهری، پیشین، ص ۱۶۸.

[۳۲]. سوره روم (۳۰)، آیه ۲۱.

[۳۳]. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر حقوق اسلامی، چاپ اول، (تهران سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، (۱۳۶۸)، ص ۳۹۰.

[۳۴]. همان، ص ۳۹۰.

[۳۵]. زهرا گواهی، سیمای زن در آئینه فقه شیعه، چاپ دوم، (تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲)، ص ۲۰.

[۳۶]. وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٍ \* يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ. سوره نحل (۱۶)، آیه ۵۸-۵۹.

[۳۷]. سوره نساء (۴)، آیه ۱.

[۳۸]. مهدی مهریزی، «حقوق زن» در دانشنامه امام علی علیه السلام، ج ۵، چاپ اول، (تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰)، ص ۱۱۰؛ مرجان روانگردان «زن، آفرینش، معنویت و عقل» کتاب نقد، شماره ۱۲، پاییز ۱۳۷۸، ص ۳-۴؛ مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، فلسفه حقوق، چاپ سوم، (قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۸)، ص ۱۴۳-۱۴۰.

[۳۹]. مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً؛ سوره نحل (۱۶)، آیه ۹۷.

وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يَطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَٰئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ سوره توبه (۹)، آیه ۷۰.

لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۹۵.

[۴۰]. إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛ سوره اسراء (۱۷)، آیه ۷۰.

[۴۱]. عبدالله جوادی آملی، زن در آئینه جلال و جمال، پیشین، ص ۱۰۱.

[۴۲]. البته همیشه سهم الارث زن، نصف مرد نمی باشد بلکه گاهی مساوی باهم و یا حتی بیشتر از مرد از ارث برخوردار می شود. در این باره نگاه کنید: سید حسین حسینی، سراج نگاهی گذرا به شبهات حقوقی پیرامون مسائل زنان، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۰، ص ۱۳۹.

[۴۳]. سید احمد میر خلیلی، «زن در حقوق خانواده (ارث - طلاق - حضانت)»، کتاب نقد، شماره ۱۲، پاییز ۱۳۷۸، ص ۱۱۲.

[۴۴]. سوره نساء (۴)، آیه ۳۲.

[۴۵]. الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...؛ سوره نساء (۴)، آیه ۳۴؛ قانون مدنی، ماده ۱۱۰۵ «در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است».

[۴۶]. تکتم رضایی، «جانبداری افزون بر حقوق» کتاب نقد، شماره ۱۲، پاییز ۷۸، ص ۱۷ به بعد.

[۴۷]. مرتضی مطهری، پیشین، ص ۱۲۳.

[۴۸]. مرضیه صدیقی، «نگاهی به روند جهانی جنبش زنان و موقعیت زن در جمهوری اسلامی ایران»، کتاب نقد، شماره ۱۲، پاییز ۱۳۷۸، ص ۶۹.

[۴۹]. مهرانگیز کار، رفع تبعیض از زنان، چاپ اول، (تهران، انتشارات پردین، ۱۳۷۸)، ص ۱۷؛ مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، دیدگاه‌های فقهی در خصوص عهدنامه محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، به کوشش محسن قدیر و چاپ اول، (قم، مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، ۱۳۷۷)، ص ۱۲.

[۵۰]. عهدنامه محو کلیه اشکال تبعیض از زنان، ماده ۱.

[۵۱]. وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... . سورة اسراء (۱۷)، آیه ۷۰.

[۵۲]. مقام معظم رهبری، ایت شیخ جواد تبریزی، ایت الله مکارم شیرازی، ایت الله صافی گلپایگانی، ایت الله نوری همدان، ایت الله وحیدی تبریزی و...

[۵۳]. ایت الله امینی، ایت الله معرفت، ایت الله تجلیل تبریزی و...

[۵۴]. مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، پیشین، ص ۱۷.

[۵۵]. حسین مهرپور، حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، (تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴)، ص ۲۴۲.

[۵۶]. مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، پیشین، ص ۲۰.

[۵۷]. سید جعفر حق شناس «سیاست‌های جهانی در مسائل زنان» مجموعه مقالات دفاع از حقوق زنان ما و نظام بین الملل، چاپ اول، (قم، مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۸۰)، ص ۲۳ به نقل از مرکز امور مشارکت زنان، «نکاتی چند در خصوص اجلاس جهانی زنان» ۱۳۷۸، ص ۱۱.

[۵۸]. واحد مطالعات و تحقیقات زنان مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، «بررسی و ارزیابی کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، آذرماه ۱۳۷۶، ص ۱۶.

[۵۹]. محسن قدیر، «ارزیابی کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان از منظر حقوق بین الملل». مدیریت پژوهش دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ص ۴ و ۳.

[۶۰]. سید محمد حسین فضل الله، «زن واقعیت‌ها پرسش‌ها در گفتگو با ایت الله سید محمد حسین فضل الله»، ترجمه مجید مرادی، پیام زن، سال دوازدهم، خرداد ۱۳۸۲، ص ۲۷.

[۶۱]. وَ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ لِيُنْجِزِيَ كُلَّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يظَلْمُونَ؛ سورة جاثیه (۴۵)، آیه ۲۲.

لينك منبع مقاله :

[AA-/۸D/۸۴/۹D/۷A/۸AF%D/۸D/۹B/۸/%D۵۸۷۷۰/۵۸۲۰/۵۸۰۰http://www.hawzah.net/fa/Magazine/View/-۸۴/۹D/۸A/۸D/۷A/۸D/۸۲/۹AA%D/۸D/۸۵/۹-%D۸۳/۹D/۸۸/۹D/۸۳/۹AD%D/۸-%D۱B/۸AF%D/۸%D AF/۸D/۱B/۸D/۸۵/۹-%D۸۸/۹-%D۸۶/۹D/۲B/۸%D](http://www.hawzah.net/fa/Magazine/View/-۸۴/۹D/۸A/۸D/۷A/۸D/۸۲/۹AA%D/۸D/۸۵/۹-%D۸۳/۹D/۸۸/۹D/۸۳/۹AD%D/۸-%D۱B/۸AF%D/۸%D AF/۸D/۱B/۸D/۸۵/۹-%D۸۸/۹-%D۸۶/۹D/۲B/۸%D)

... ..

لينك مرتبط با اين مطلب : "تساوی حقوق زن و مرد در قرآن کریم"

<http://maarefquran.org/index.php/page.viewArticle/LinkID,۴۱۲۸>